



The Role of Believing in Monotheism in the Islamic Resistance from the Perspective of the Holy Quran

Ali Khorasani¹

Received: 14/02/2020

Accepted: 17/04/2020

Abstract

Many Qur'anic concepts, such as endurance, patience, steadfastness, jihad, martyrdom, victory, and Ihda al-Husnain (one of the good things), refer to Islamic resistance. Numerous verses are used to suggest that Islamic resistance is one of the most important strategies of the Islamic community in dealing with enemies. The extent of the verses has made it possible to examine and conduct research on Islamic resistance in the Holy Qur'an in various ways. The diversity of the enemy's methods in confronting Islam and Muslims in the contemporary period necessitates dealing with these issues. In the current study, with a descriptive-analytical and library method, the role of believing in monotheism in Islamic resistance from the Quran's point of view is discussed. From the classification, study, and reflection on the verses of the Qur'an, it is concluded that most of the verses related to this subject are associated with the goals of monotheists and increase their motivation to resist and monotheism is an essential element of the Islamic resistance and the phenomenon of Islamic resistance is in many ways inextricably linked to monotheism.

Keywords

The Holy Quran, Islamic Resistance, Believing in onotheism, Endurance, Motivational Factors.

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. khorasani110@isca.ac.ir



نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

علی خراسانی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

چکیده

مفاهیم قرآنی فراوانی همچون استقامت، صبر، ثبات قدم، جهاد، شهادت، پیروزی و احدی الحسین ناظر به مقاومت اسلامی است. از آیات پرشمار ناظر به این مفاهیم استفاده می شود که مقاومت اسلامی یکی از راهبردهای بااهمیت امت اسلامی در برخورد با دشمنان است. گستردگی آیات این امکان را فراهم کرده است که موضوع مقاومت اسلامی در قرآن کریم از جهات مختلفی بررسی و تحقیق شود. گوناگونی شیوه های دشمن در رویارویی با اسلام و مسلمانان در دوره معاصر، ضرورت پرداختن به این موضوعات را ایجاب می کند. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای، به نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن پرداخته شده است. از دسته بندی، بررسی و تأمل در آیات این نتیجه به دست می آید که بیشترین آیات ناظر به این موضوع، مرتبط با اهداف توحیدباوران و افزایش انگیزه مقاومت در آنان است و نیز توحیدباوری رکن اساسی مقاومت اسلامی است و پدیده مقاومت اسلامی از جهات فراوانی با توحیدباوری پیوندی ناگسستنی دارد.

کلیدواژه ها

قرآن کریم، مقاومت اسلامی، توحیدباوری، استقامت، عوامل انگیزشی.

*khorasani110@isca.ac.ir

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

■ خراسانی، علی. (۱۳۹۹). نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۲(۳)، صص ۱۱۹-۱۴۴.
Doi: 10.22081/jqss.2020.68908

۱. مقدمه

مباحث مقدماتی این پژوهش بدین شرح است:

۱-۱. مقاومت اسلامی

مقاومت مصدر باب مفاعله از ریشه « قوم » است. این ریشه را به معانی گوناگونی از جمله به ایستادن، برخاستن، پیشرفت کردن، دست به کار شدن، بالارفتن، سامان یافتن، پایداری و مداومت کردن معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۵۷۰). برخی واژه‌پژوهان برآنند که این ریشه دو معنای اصلی دارد: یکی به معنای جماعت و گروهی از مردم و قوم و دیگری به معنای بسامان شدن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳). برخی گفته‌اند این ریشه تنها یک اصل و یک معنا دارد و آن مفهومی در برابر قعود، یعنی ایستادن و به سامان رسیدن کار است. سامان یافتن هر کار و هر موضوع مادی یا معنوی متناسب با آن است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۴۱). با عنایت به این ریشه، «مقاومت» به اقتضای باب مفاعله، به معنای ایستادگی کردن در برابر کسی یا چیزی است؛ به تعبیر دیگر مقاومت به معنای ایستادن در برابر کسی یا چیزی است که به دلیل ضدیت و دشمنی می‌خواهد طرف مقابل را به زانو درآورد؛ از همین رو برخی مقاومت را به ضدیت هم معنا کرده‌اند (عمید، ۱۳۶۲، ص ۹۷۹). استقامت به اقتضای باب استفعال به معنای طلب قیام و کوشش برای ایستادن است و از آنجا که انسان در حال قیام بر اقدامات و کارهای مختلفی که از شئون انسان است، توانمند می‌شود، می‌توان استقامت را به تلاش برای رسیدن به حالت و وضعیتی دانست که در آن حالت، بیشترین ظرفیت‌های انسان برای هرگونه عمل و اقدامی در برابر موانع و از جمله دشمنان آماده است؛ بنابراین در مقاومت تمرکز معنایی بر استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های خود در جهت تقابل با دشمنی است که مانع از رسیدن به هدف است و مقاومت اسلامی به معنای مقاومت برآمده از آموزه‌های اسلامی است. مقاومت اسلامی می‌تواند قلمروی عام داشته باشد و هرگونه ایستادگی در برابر موانع بیرونی و درونی، از جمله مبارزه با شیطان و هوای نفس را دربرگیرد؛ ولی در ادبیات معاصر به معنای ایستادگی در برابر موانع و دشمنان بیرونی اسلام است؛ دشمنی

که با جنگ سخت یا جنگ نرم مانع از تحقق اهداف متعالی اسلام است؛ البته اصطلاح «مقاومت اسلامی» امروزه یک اصطلاح سیاسی نیز شده است که به کشورها و گروه‌های گفته می‌شود که در حال مبارزه با دشمنان اسلام و صهیونیست جهانی‌اند.

۲-۱. توحیدباوری

اندیشمندان مسلمان توحید را به نظری و عملی و توحید نظری را به ذاتی صفاتی و افعالی تقسیم کرده‌اند. توحید ذاتی به معنای یگانه‌بودن خداوند است که هیچ مثل و مانند و شریک و همتایی ندارد. گاه توحید ذاتی به معنای گسترده‌تری به کار می‌رود و علاوه بر معنای گفته شده شامل بساطت ذات الهی و سلب ترکیب از خداوند نیز می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۱). توحید صفاتی به معنای این است که صفات الهی همانند حی، علم، قدرت چیزی جز ذات خدا نیست نه اینکه موجوداتی غیر ذات باشند؛ به این معنا که صفات خدا از جهت لفظ و مفهوم با یکدیگر و با ذات حق متغایرنند؛ ولی از جهت مصداق و انطباق همه آنها عین هم‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۵). توحید افعالی به این معناست که هیچ مؤثر مستقلی در عالم، غیر از خدای سبحان نیست و همه امور، حرکت‌ها، تأثیر و تأثرها و سلسله اسباب و علل به ذات او می‌انجامند: «وَأَنَّ إِلَهِيَ رَبُّكَ الْمُتَنَهِّي» (نجم: ۴۲) (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۴۸). گفتنی است توحید خالقیت، توحید مالکیت و توحید ربوبیت از جلوه‌های توحید افعالی‌اند.

۳-۱. آیات و ساختار پژوهش

آیاتی با موضوع این پژوهش مرتبط‌اند که از یک سو متضمن یکی از اقسام توحید باشند؛ البته آیاتی که از ایمان افراد گزارش می‌کنند، متضمن توحیدباوری‌اند؛ زیرا در رأس ایمان، باور به توحید است؛ افزون بر اینکه ایمان به کاررفته در قرآن در مواردی در برابر شرک و به معنای خصوص توحید است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۷۱). این آیات از سوی دیگر باید متضمن مفهوم مقاومت باشند. مقاومت یا از مشتقات ریشه «قوم» مانند «استقاموا» استفاده شده یا از آیاتی که مصادیق مقاومت را تبیین کرده‌اند؛ مانند آیاتی که

یکجا از ایمان، هجرت، جهاد با جان و جهاد با مال اشخاص خبر داده‌اند یا آیاتی که به گونه‌ای از ایستادگی الگوهای مقاومت مانند انبیا، رسول خدا و پیشگامان صحابه گزارش کرده‌اند. از آیات متضمن توحیدباوری و مقاومت برداشت می‌شود که توحیدباوری موجب تعقیب اهدافی خاص در مقاومت اسلامی می‌شود. همچنین از این آیات فهمیده می‌شود توحیدباوری سبب ایجاد انگیزه‌های درونی و بیرونی بیشتری برای مقاومت می‌گردد. گفتنی است هدف یا نشانه و مقصد، وضعیتی است که می‌خواهیم در آینده به آن برسیم و انگیزه علت و سبب حرکت به سوی هدف است و عامل درونی است و از درون انسان سرچشمه می‌گیرد. انگیزه ریشه در نیازهای انسان دارد؛ مثلاً گرسنگی و نیاز به غذا انگیزه اقدام آدمی برای تهیه غذا است و با عوامل درونی دیگری مانند صبر، امید و آرامش تقویت می‌شود که از آنها با عنوان عوامل درونی انگیزشی یاد می‌شود. همچنین انگیزه تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند ثروت، شهرت، موقعیت قرار می‌گیرد. به این عوامل اثرگذار بر انگیزه عوامل بیرونی انگیزه گفته می‌شود. انگیزه و انگیزش در مواردی به یک معنا به کار می‌روند (رک: فرانکل، ۱۳۹۱).

۲. انتخاب اهداف متعالی در مقاومت اسلامی برآیند توحیدباوری

مقاومت استفاده از همه ظرفیت‌های انسانی و دفع و رفع همه موانع برای رسیدن به اهداف است؛ پس رسیدن به هدف، انگیزه لازم را برای شخص ایجاد می‌کند. در اینجا در ضمن سه مقدمه به تبیین نقش توحیدباوری در انتخاب اهداف متعالی در مقاومت اسلامی می‌پردازیم.

مقدمه اول: انسان موجودی مختار است و انسان مختار فعالیت‌های اختیاری خود را برای رسیدن به هدفی انجام می‌دهد. هدف مورد نظر را علت غایی گویند که در میان علل چهارگانه در به وجود آمدن معلول، نقش اساسی دارد. باید توجه داشت که فقط در فعل فاعل صاحب‌شعور علت غایی مطرح است؛ چون آن را از روی علم و اراده انجام می‌دهد که مورد توجه فاعل صاحب‌شعور است و علت انگیزه او برای حرکت به سوی هدف است و از این جهت به آن علت غایی می‌گویند.

مقدمه دوم: یکی از گرایش‌های فطری و ذاتی انسان، کمال‌خواهی است که از آن تعبیر به حُب کمال می‌کنند؛ بر همین اساس انسان به دنبال اهدافی است که شکوفایی و کمال بیشتری برای او در پی داشته باشد. انسان متناسب با معرفت و شناخت خود از قدرت واقعی در جهت کسب آن تلاش می‌کند. کسانی که قدرت واقعی را در امور مادی و دنیوی می‌بینند؛ کمال‌خواهی آنان در قالب کوشش برای کسب قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی ظهور می‌یابد و کسانی که قدرت واقعی را در قدرت روح و اراده می‌دانند، کمال‌طلبی آنان در قالب اقدام به ریاضت‌های شاق و توان‌فرسا ظهور می‌کند و البته کسانی که از جهت معرفتی قدرت حقیقی را در خدا می‌دانند و همه چیز را مسخر قدرت نامحدود و بی‌انتهای او می‌دانند کمال‌طلبی آنان در قالب عبادت و فرمانبرداری از خدا به منظور تقرب به سرچشمه قدرت ظهور می‌یابد.

مقدمه سوم: یکی از شئون توحید افعالی، توحید در خالقیست است. در نگاه قرآن کریم خداوند آفریننده همه چیز است: «و خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۰۱) و «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلِقُ كُلَّ شَيْءٍ؛ این است خدایی که پروردگار شما است، جز او معبودی نیست، آفریننده همه چیز است» (انعام: ۱۰۲) و هر چه بر آن اطلاق شیء شود، آفریده خدا است و اعمال انسان نیز پدیده و شیء است، پس مخلوق خدا است؛ چنان که قرآن تصریح می‌کند: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶) (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲). قرآن همچنین تأکید می‌کند همه امور در دست خدا است: «قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ» (آل عمران: ۱۵۴) و او پدیدآورنده خنده، گریه، زندگی، مرگ، غنا و فقر است: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَابْكِي * وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ... وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ؛ و او است که خندانند و گریانند. و اوست که [همه زنده‌ها را در وقت معین] میراند و [همه مرده‌ها را طبق اراده] زنده گرداند... و او است که بی‌نیاز نموده و ثروت قابل بقا و دوام داده» (نجم: ۴۳-۴۸). خداوند است که باران را از آسمان نازل می‌کند: «ءَأَنتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ؛ آیا شما آن را از ابر سفید باران‌زا فرود آوردید یا ما فرو فرستنده‌ایم؟» (واقعه: ۶۹). انسان گمان می‌کند او کشاورزی می‌کند؛ ولی در حقیقت خدا است که زارع حقیقی است و گیاهان را می‌رویاند: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ؛ آیا

آنچه را کشت می‌کنید دیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما رویانده‌ایم؟» (واقعہ: ۶۳-۶۴). و تحقق و اراده و مشیت انسان متوقف بر مشیت خدا است: «و ما تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر: ۲۹). آیات گفته‌شده به‌روشنی بر توحید در خالقیت دلالت دارند و اگر در برخی آیات از خالقیت غیر خدا سخن گفته‌اند، آن را به اذن الهی می‌دانند: «و إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي؛ و هنگامی که از گل مانند شکل پرنده به اذن [تکوینی] من درست می‌کردی» (مائده: ۱۱۰). افزون بر آفرینش جهان از آیات به‌روشنی فهمیده می‌شود که خداوند متعال ایجادکننده همه پدیده‌ها است؛ چه این پدیده شکافته‌شدن دانه و شکفته‌شدن گیاه باشد: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَى؛ همانا خداوند شکافنده دانه و هسته است» (انعام: ۹۵) و چه افعال اختیاری انسان باشد: «فَلَمَّ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ پس [بدانید که] شما آنها را نکشید و لکن خدا آنان را کشت و آن گاه که تو [به سوی آنها تیر و سنگریزه] افکندی تو نیفکندی و لکن خدا افکند [تا دشمن را مغلوب نماید] (انفال: ۱۷)؛ بنابراین آفرینش حقیقی در انحصار خداوند است و دیگر موجودات نمی‌توانند خالق چیزی باشند. به گفته برخی مفسران، مفاد آیتی که گاهی با جمله اسمیه و زمانی با جمله فعلیه، به نحو موجه کلیه، آفرینش اشیا را به خدا اسناد می‌دهند، عمومی است که هرگز قابل تخصیص نیست؛ زیرا محال است چیزی در جهان هستی موجود باشد و آفریده حق تعالی نباشد؛ چون لازمه‌اش خروج آن شیء از حد امکان و ورودش در محدوده واجب‌الوجود است که براساس توحید واجب‌الوجود، بطلان آن واضح است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۰۰)؛ البته توحید در خالقیت نافی اختیار انسان نیست؛ زیرا نفی اختیار با بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی و راهنمایی و تزکیه و تعلیم و موعظه و نصیحت سازگار نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱-۳، ص ۱۰۵).

از سه مقدمه بالا نتیجه گرفته می‌شود انسان مختار، توحیدباور و کمال‌طلب و بارورمند و متوجه به اینکه همه موجودات غیر از خدا، از خود هیچ استقلالی ندارند، ممکن نیست غیر وجه خداوند را هدف غایی مقاومت خویش قرار دهد. چنین انسانی براساس توحید افعالی هیچ مؤثری را در عالم به جز خدا نمی‌شناسد. او کمال، بقا و

قدرت حقیقی را نزد خدا جستجو می‌کند و به جز خدا چیزی را طلب نمی‌کند و مقصدی جز الله و رضوان الهی ندارد و موطن حقیقی و رستگاری خویش را در جوار حضرت حق می‌داند؛ از همین رو براساس روایات شأن نزول (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱-۲، ص ۵۳۵)، قرآن کریم در وصف انسان باایمان و فداکاری همانند امیرالمؤمنین که مقاومت را به نهایت رسانده و جان خویش را در «لیلة المبيت» در معرض شهادت قرار داده می‌فرماید: او از جان خویش می‌گذرد و تنها در پی خشنودی خداوند است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷) و در وصف مؤمنان فقیر مکه که به دلیل مقاومت بر آیین اسلام از خانه‌ها و اموالشان بیرون رانده شدند می‌فرماید آنان در پی خشنودی و رضوان الهی‌اند: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (حشر: ۸). همچنین در وصف صحابه و همراهان رسول خدا، آنان را جوای فیض و رضوان الهی معرفی می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا؛ مُحَمَّدٌ فرستاده خدا است، و کسانی که همراه اویند در برابر کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربان‌اند. آنها را همواره در حال رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و بخشش خداوند و خشنودی او را می‌طلبند» (فتح: ۲۹). نیز قرآن در وصف مجاهدان مقاوم که در شرایط بسیار سخت و پس از شکست در غزوه احد، در سپاه اعزامی به «حمره الاسد» شرکت کردند، می‌فرماید آنان به دنبال رضوان الهی بودند: «وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۷۴).

از آنجاکه موحدان اهل مقاومت در پی رضوان الهی‌اند، خداوند نیز در تبیین پاداش آنان می‌فرماید آنان به هدف خویش یعنی رحمت و رضوان الهی دست یافته‌اند و از این جهت به آنان بشارت می‌دهد. افزون بر این به بهشت نیز دست یافته‌اند؛ البته بهشت و نعمت‌های آن نیز می‌تواند از اهداف متوسط اهل مقاومت باشد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يَبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ» (توبه: ۲۰-۲۱). نیز از مهاجران و انصار پیشگام نخستین که بیشترین مقاومت در زمینه دفاع از کیان اسلام و

رسول خدا را داشته‌اند، ستایش می‌کند و اعلام می‌کند آنان به مقصود خویش که رضایت الهی است، رسیده‌اند: «و السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ» (توبه: ۱۰۰). همچنین از مؤمنان حاضر در حدیبه که در آن شرایط سخت مقاومت کردند و بر دفاع از اسلام تا پای جان پیمان بستند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۰) اعلام رضایت می‌کند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» (فتح: ۱۸).

۳. عوامل درونی انگیزشی در مقاومت اسلامی برآمده از توحیدباوری

به عواملی که از درون انسان سرچشمه می‌گیرند و انسان را برای رسیدن به هدف به حرکت وامی‌دارند، عوامل درونی انگیزشی گفته می‌شود. بسیاری از عوامل درونی که به انسان در راستای مقاومت اسلامی انگیزه می‌دهند و او را برای رسیدن به اهداف متعالی خود وادار به حرکت می‌کنند، از توحیدباوری و درک درست از صفات الهی همچون علم، قدرت، حکمت، عزت و ربوبیت نشئت می‌گیرند. این عوامل درونی که موجب انگیزش می‌شوند بر دو گونه‌اند؛ برخی عواملی هستند که توحیدباوری موجب تقویت آنها می‌شود؛ مانند امید، صبر و آرامش که این عوامل در هر مقاومتی باید وجود داشته باشند؛ ولی توحیدباوری موجب تقویت آنها می‌شود. برخی عوامل نیز به گونه‌ای هستند که توحیدباوری مقوم اصلی و اساسی شکل‌گیری آنها است و بدون توحیدباوری معنا و مفهومی ندارند؛ مانند ذکر قلبی، توکل، تسلیم و رضا که حقیقت این مفاهیم با توحید پیوند خورده است و بدون آن قابل تحقق نیستند. شماری از این عوامل درونی که در مقاومت اسلامی نقش دارند و انسان موحد را برای رسیدن به اهداف متعالی خود وادار به حرکت می‌کنند بدین شرح‌اند:

۳-۱. امید

امید راحتی و لذتی است که از انتظار تحقق امری محبوب در قلب حاصل می‌شود؛ البته در صورتی که بیشتر اسباب آن امر محبوب فراهم باشد (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۴۹)؛

نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱). از امید به توقع، شوق و انتظار نیز تعبیر شده است (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۵۵). درحقیقت امید موتور محرک انسان به سوی هدف است؛ چنان که در روایات آمده است هر کس به چیزی امید داشته باشد، برای رسیدن به آن می‌کوشد (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۸). براساس قرآن کریم انسان‌های مقاومی که برای رسیدن به اهداف متعالی خود با ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا می‌کوشند، امیدوار به رحمت الهی‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ؛ البته کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خداوند امیدوارند» (بقره: ۲۱۸). اینان چون به رحمت الهی امید دارند به هجرت و جهاد می‌پردازند و در راه هجرت و جهاد مقاومت می‌کنند. هر مقاومتی بدون شک مقرون و متکی به امید است؛ ولی محدوده امید انسان مادی تنها به امور دنیوی زوال‌پذیر است؛ درحالی که انسان‌های موحد و بهره‌مند از آموزه‌های پیامبران، افزون بر نعمت‌های دنیا (اعراف: ۳۲) چشم امید به نعمت‌های بی‌پایان آخرت (احزاب: ۲۱) و بالاتر از آن، به بقای الهی دارند (عنکبوت: ۵). از منظری دیگر می‌توان گفت فرجام مقاومت در مقاومت‌های غیرالهی ممکن است شکست و ناکامی باشد و این حقیقت خود امید به مقاومت را کاهش می‌دهد؛ درحالی که براساس منطق قرآن کریم در مقاومت اسلامی فرجامی به نام شکست وجود ندارد، بلکه قرآن به صراحت سرانجام مقاومت اسلامی را یکی از دو نیکی [احدی‌الحسنین]، پیروزی یا شهادت دانسته است: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ؛ بگو: آیا جز یکی از دو نیکی - پیروزی یا شهادت - را برای ما چشم می‌دارید؟» (توبه: ۵۲). انسان مؤمن و توحیدباور، چون به «احدی‌الحسنین» باور دارد، در راه هدف متعالی اسلامی و انسانی تلاش همراه با مقاومت دارد.

۲-۳. آرامش

آرامش حالتی درونی است که همراه با آسودگی و ثبات است و در برابر ترس و نگرانی و اضطراب است. این حالت نفسانی انسان را در رسیدن به اهداف خویش کمک

می‌کند. قرآن کریم آرامش و سکینه را موهبتی الهی می‌داند که آن را در هنگامه‌های خاص بر مؤمنان نازل می‌کند (توبه: ۳۶). آرامش بخشیدن به موحدان مقاوم که خود عاملی درونی برای مقاومت است از داستان اصحاب کهف قابل برداشت است. اصحاب کهف در پرتو برخورداری از آرامش الهی، در برابر مردم و حکومت مشرک و توحیدستیز دوران خویش ایستادند و بر توحید و ربوبیت الهی و نفی شرک پای فشردند و مقاومت کردند: «و رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا؛ و دل‌های آنان را بر بستیم (نیرومند و استوار ساختیم) آن‌گاه که به پا خاستند و گفتند: پروردگار ما خداوند آسمان‌ها و زمین است، هرگز جز او خدایی نمی‌خوانیم، که آن‌گاه - اگر چنین کنیم - هر آینه سخنی ناروا و گزاف گفته باشیم» (کهف: ۱۴). از تعبیر «و رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ» و «إِذْ قَامُوا» به ترتیب نزول آرامش از سوی خدا و ایستادگی اصحاب کهف قابل برداشت است. از آیه هجدهم سوره فتح که به موضوع صلح حدیبیه و بیعت مسلمانان با رسول خدا برای ایستادگی تا پای جان پرداخته و نیز از آیه ۲۶ توبه که به ایستادگی مسلمانان پس از فرار در حنین پرداخته است، می‌توان فهمید بهره‌مندی مؤمنان و توحیدباوران از آرامش الهی، انگیزشی برای مقاومت و ایستادگی بیشتر آنان شده است.

۳-۳. صبر

صبر نقیض جزع و بی‌تابی است (فرایدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۱۵) که در لغت به سه معنا آمده است: ۱. حبس و نگهداری؛ ۲. قسمت بالای یک چیز؛ ۳. نوعی از سنگ سخت (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۹)؛ به عبارت دیگر صبر امساک در تنگناها و خویشنداری به مقتضای عقل و شرع یا حبس نفس از چیزی است که عقل و شرع حبس نفس از آن را اقتضا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). صبر موجب تقویت شخصیت و افزایش توانایی انسان در برابر سختی‌ها می‌شود. صبر یکی از عوامل انگیزش درونی است که مراتب بالای آن، برآمده از توحیدباوری است و زمینه‌ساز مقاومت و ایستادگی در برابر ناملایمات است؛ چنان که قرآن کریم مؤمنان را به شکیبایی بر ناگواری‌ها فرمان می‌دهد

و از آنان می‌خواهد با اتکا به صبر و سفارش همدیگر به صبر، بر مقاومت خویش بیفزایند و در امور دین و دنیا با یکدیگر همبستگی داشته باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰). همچنین قرآن پس از آنکه رسول خدا و مؤمنان را به استقامت فرمان می‌دهد، آنان را به صبر امر می‌کند: «فاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتُ... * و اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۲ و ۱۱۵). باورمند به خدا از مراتب بالای صبر برخوردار است؛ زیرا می‌داند که خدا با صابران است: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ به شکیبایی و نماز یاری خواهید که خدا با شکیبایان است» (بقره: ۱۵۳)، «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹). نیز پیامبران با بهره‌گیری از صبر بر رسالت خود مقاومت کردند و آزار قوم خویش را تحمل کردند تا اینکه نصرت و یاری خداوند به آنان رسید: «وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَ أَوْذُوا حَتَّىٰ أَنصُرْنَا؛ و هر آینه پیامبرانی که پیش از تو بودند تکذیب شدند و بر تکذیب و آزاری که دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما بدیشان رسید» (انعام: ۳۴). اساساً بر پایه وعده الهی، شکیبایی برخاسته از توحیدباوری در مقاومت اسلامی نتیجه‌بخش است و موجب پیروزی می‌شود، اگرچه نیروهای خودی و نیروهای دشمن نابرابر باشند: «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ پس اگر از شما صد تن شکیبیا باشند، بر دویست تن چیره شوند و اگر از شما هزار تن باشند بر دو هزار تن چیره شوند. به خواست خدا. و خدا با شکیبایان است» (انفال: ۶۶). همچنان که طالوت و سپاه اندکش در برابر سپاه بزرگ جالوت مقاومت کردند و با بهره‌مندی از صبر و ثبات قدم بر آنان پیروز شدند: «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْكُوا اللَّهَ كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ؛ گفتند: امروز ما را توان برابری با جالوت و لشکریان او نیست؛ اما کسانی که می‌دانستند خدای را دیدار خواهند کرد گفتند: چه بسا گروهی اندک که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شده‌اند و خدا با شکیبایان است و چون با جالوت و سپاه او روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، بر ما

شکیبایی فروریز و گام‌هامان استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری و پیروزی ده؛ پس به خواست و فرمان خدا آنان را درهم شکستند و داوود جالوت را بکشت» (بقره: ۲۴۹-۲۵۱).

۳-۴. ذکر قلبی

در قرآن کریم ذکر گاهی در برابر غفلت و گاهی در مقابل نسیان به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۸). در توضیح ذکر قلبی مفسران تعبیر مختلفی دارند، مانند تفکر در عظمت، جلال و قدرت خدا و آیات او در آفرینش (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۵۱)، یاد کردن و در نظر گرفتن حضور و احاطه خدا (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۶۴) و توجه، خلوص و تقرب به سوی خدا (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴۹). ذکر و یاد خدا از عواملی است که انگیزه درونی انسان مؤمن موحد را برای مقاومت افزون می‌کند؛ از همین رو قرآن خطاب به مؤمنان فرمان می‌دهد، هنگامی که در میدان نبرد با گروهی از کافران روبه‌رو شدید، ثابت قدم باشید و از برابر آنان مگریزید و خدا را زیاد یاد کنید تا به فلاح دست یابید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به گروهی [از دشمن] برخوردید، پایداری نمایید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که پیروز و رستگار شوید» (انفال: ۴۵). روشن است ذکر خدا، مایه آرامش است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام یابد. آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرام گیرد» (رعد: ۲۸) و آرامش چنان که پیش‌تر گفته شد، از عوامل درونی انگیزش برای مقاومت است.

۳-۵. توکل

توکل به معنای اعتماد به خدا و سپردن امور خود به وی است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۹۳). تعبیر دیگری نیز در معنای توکل گفته‌اند، از جمله تفویض امور به خداوند و رضایت‌دادن به تدبیر او (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۲۸۷)، سپردن امور به خدا و انقطاع از اسباب و علل ظاهری و اعتماد به او به‌عنوان سبب حقیقی و مرجع همه اسباب (طباطبایی،

۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۲۵)، ناامیدی از خلق و توجه به خدا (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۳۸). توکل برآمده از توحیدباوری است و انسان موحدی که ولایت حق را بپذیرد و به ربوبیت او ایمان آورد، وی را مرجع همه اسباب و علل می‌داند و در نتیجه همه امورش را به او وامی‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۲۵): «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛ چنین خدایی پروردگار من است. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم» (شوری: ۱۰). سفارش خداوند به لزوم توکل پس از توجه‌دادن به الوهیت و یکتایی خود «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ خدای یکتا جز او خدایی نیست، پس مؤمنان باید بر او توکل کنند و بس» (تغابن: ۱۳)، نشانه آن است که ایمان به خدا و شناخت صحیح او مهم‌ترین انگیزه برای توکل است؛ از این رو برخی گفته‌اند برای ایجاد انگیزه در مؤمنان آیه‌ای بالاتر از این آیه نیست (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۲۱).

قرآن کریم از زبان پیامبران و مؤمنانی که در راه رسیدن به هدف خود در برابر مشرکان ایستادگی و مقاومت کرده‌اند، گزارش می‌کند که گفتند: چرا ما بر خدا توکل نکنیم و حال اینکه ما را به راه‌های شایسته هدایت کرده است و چون بر خدا توکل می‌کنیم، بر آزارهایی که برای ابلاغ توحید به ما رسانده‌اند، صبر می‌کنیم: «و ما لَنَا إِلَّا نَسْوَكَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم: ۱۲) به گفته علامه طباطبایی از تفریع «ولنصبرن» بر وجوب توکل به خدا فهمیده می‌شود صبر بر اذیت و آزار مشرکان متفرع بر توکل به خداوند متعالی است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۳). قرآن کریم از یکی از جلوه‌های بی‌بدیل مقاومت اسلامی در تاریخ اسلام که سازماندهی لشکر اسلام پس از شکست در غزوه احد بود، پرده برمی‌دارد. براساس منابع تاریخی، رسول خدا در صبحگاه روز پس از احد فرمان داد که به منظور تعقیب دشمن، سپاه اسلام دوباره سازماندهی شود و تنها حاضران در غزوه احد اجازه یافتند تا در این غزوه حضور یابند (واقعی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۹؛ طبری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۲۱۱). مسلمانان، از جمله مجروحان، بی‌توجه به مداوای خویش آماده حرکت شدند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۴). قرآن کریم از این مجروحان حاضر در غزوه «حمراءالاسد» که در راه مقابله با دشمن، در آن شرایط سخت

بدنی و جراحت، دعوت پیامبر را اجابت کردند، ستایش کرده و به آنان وعده پاداش بزرگ داده است: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ کسانی که [بعد از جنگ احد، دعوت] خدا و فرستاده او را [برای تعقیب سپاه قریش] اجابت نمودند، پس از آنکه زخم و جراحت بدان‌ها رسیده بود، برای کسانی از آنان که نیکی کرده و پروا پیشه نمودند، پاداشی بزرگ است» (آل عمران: ۱۷۲). قرآن کریم در آیه بعد، حاضران در این مقاومت را به دلیل نرسیدن و افزایش ایمان ستوده و از توکل آنان به خدا در این مسیر خبر داده است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ همان کسانی که مردم به آنان گفتند که مردم [مکه] برای [نبرد با] شما اجتماع کرده‌اند، از آنان بترسی؛ اما [این خبر] بر ایمان آنان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او خوب و کیلی است» (آل عمران: ۱۷۳) قرآن کریم در ماجرای غزوه احد سستی دو طایفه از مسلمانان (بنو سلمه و بنو حارثه) را گزارش کرده و توجه به ولایت الهی و نیز توکل به خدا را در رویارویی با دشمن لازم دانسته است: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ آن‌گاه که دو گروه از شما آهنگ سستی [و اندیشه بددلی] کردند و حال آنکه خدا یار و کارساز آنان بود، و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند و بس» (آل عمران: ۱۷۲).

۳-۶. تسلیم و رضا

تسلیم به معنای استواری در ناملایمات و بلاها و استقبال از قضای الهی با قلبی گشوده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۶؛ جرجانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۸۰). رضا نیز معنایی نزدیک به تسلیم دارد و به خشودبودن دل از قضای پروردگار معنا شده است (نراقی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۰۳). تسلیم و رضا هر دو حالتی قلبی و درونی‌اند که از باور به توحید نشئت می‌گیرند؛ چنان‌که درباره تحقق مقام تسلیم گفته‌اند مقام تسلیم هنگامی دست می‌یابد که انسان خود را به صورت کامل و از همه ابعاد تحت ولایت خداوند بداند و دریابد که در همه امور به خداوند قائم است و از خود هیچ استقلالی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱،

ص ۲۴۹) و در تبیین رضا گفته‌اند رضا نتیجه اطمینان نفس و آرامش آن با یاد پروردگار است که سبب می‌شود انسان خود را بنده‌ای بیش نداند که مالک هیچ سود و زیانی برای خویش نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۸۵). مقام تسلیم و مقام رضا دو مفهوم نزدیک به یکدیگرند (نراقی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱۵)؛ اگرچه تفاوت‌های ظریفی میان آنها وجود دارد (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۰؛ نراقی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۰۳) در حال این دو مقام را می‌توان از عوامل درونی انگیزش در مقاومت اسلامی برشمرد؛ چنان‌که قرآن از کسانی ستایش می‌کند که هنگام مصائب و بلاها کلمه استرجاع را بر زبان جاری می‌کنند: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶). از کلمه «انا لله» در این آیه خشودبودن به تدبیر الهی برداشت شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰). همچنین قرآن از رضایت پیشگامان نخستین از مهاجر و انصار خبر می‌دهد؛ کسانی که به اقتضای شرایط و دوران نخستین اسلام، با ایمان، هجرت و نصرت خویش پایه‌گذار مقاومت اسلامی بوده‌اند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ؛ وَ آن پیشی‌گیرندگان نخستین از مهاجران و انصار- که پیش از دیگران به اسلام گرویدند- و کسانی که با نیکوکاری آنان را پیروی کردند، خدای از ایشان خوشنود است و ایشان از خدای خوشنودند» (توبه: ۱۰۰).

۴. عوامل بیرونی انگیزشی در مقاومت اسلامی، برآمده از توحیدباوری

همچنان‌که پیش‌تر گفته شد، انگیزه عاملی درونی است که از عوامل بیرونی چون: پول، شهرت و تشویق اطرافیان تأثیر می‌پذیرد. به این عوامل انگیزه بیرونی گفته می‌شود. این عوامل می‌توانند سبب کاهش یا افزایش انگیزه درونی شوند. در اینجا با بررسی آیات قرآن به عواملی می‌پردازیم که خارج از جان انسان‌اند و در تقویت انگیزه اثرگذارند و از سوی خدا به مؤمنان مقاوم وعده داده شده‌اند.

۴-۱. بشارت به بهشت و نعمت‌های اخروی

از وعده‌های الهی به کسانی که در راه دین خدا استقامت می‌کنند، بهشت موعود

است؛ بهشتی که سرشار از نعمت‌های خدا است و هر چه بهشتیان بخواهند، برای‌شان فراهم است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ * نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ؛ همانا کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یکتا است، آن‌گاه بر آن پایداری نمودند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و گویند] که مترسید و اندوه مدارید و شما را مژده‌باد به آن بهشتی که نوید داده می‌شدید. ما در زندگانی این جهان و در آن جهان دوستان شمایم. و شما راست در آن جهان آنچه جان‌های شما خواهش کند و شما راست در آن هرچه درخواست کنید. پیشکشی و پذیرایی ای [است] از سوی آمرزگار مهربان» (فصلت: ۳۰-۳۲). از قرآن کریم نیز فهمیده می‌شود ورود به بهشت بدون مجاهده، صبر و استقامت ممکن نیست: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ؛ آیا پنداشته‌اید که به بهشت درمی‌آید و حال آنکه هنوز خدا کسانی از شما را که جهاد کردند و شکیبایان (پایداران) را معلوم نکرده است؟» (آل عمران: ۱۴۲).

در برخی آیات هم از اعطای پاداش نیکوی آخرت به کسانی که در راه خدا مقاومت کردند، سخن گفته شده و از پیامبران و انبوهی از مردان الهی همراه آنان یاد شده است که پیکار و جهاد کردند و در برابر گزندهایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان و نالان نشدند، بلکه صبوری کردند: «و كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُجِبُّ الصَّابِرِينَ * وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و بسا پیامبری که خداپرستان بسیار- یا هزاران تن- همراه وی کارزار کردند؛ پس بدانچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی و ناتوانی نکردند و [در برابر دشمن] زبونی و درماندگی ننمودند و خدا شکیبایان را دوست دارد، و گفتارشان جز این نبود که گفتند: پرودگارا، گناهان ما را بیامرز و از گزافکاری ما در کارمان درگذر و گام‌های ما

را بر جای و استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری و پیروزی ده؛ پس خدا پاداش این جهان- به یاری و پیروزی- و پاداش نیکوی آن جهان بدادشان و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل‌عمران: ۱۴۶-۱۴۸).

۴-۲. نعمت‌های دنیوی

برخورداری از نعمت‌های دنیوی در صورت مقاومت نیز یکی از وعده‌های الهی به خدا باوران است. قرآن کریم به صراحت اعلام می‌کند اگر جنّ و انس در راه خدا استقامت می‌کردند، نعمت‌های فراوانی را روزی آنان می‌کردیم: «وَأَلِّوْا اسْتَقِمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و [نیز به من وحی شده که] بی‌تردید اگر [انس و جن] بر راه [راست اعتقاد و عمل] استقامت ورزند، حتماً آنان را از آب فراوان [و برکات مادی و معنوی] سیراب سازیم» (جن: ۱۶). آب فراوان در این آیه کنایه از وسعت و فراوانی روزی است (ماوردی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۶). مؤمنان و توحیدباورانی که به چنین وعده و سنت الهی باورمندند، به قطع چنین باوری از عوامل پایداری و استقامت آنان خواهد بود. در برخی آیات هم از این نعمت‌ها تعبیر به «ثواب الدنیا» شده است که به اهل جهاد و مقاومت داده می‌شود: «فَأَتَنَّهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا» (آل‌عمران: ۱۴۸). در برخی از آیات نیز نعمت‌هایی که به مهاجر و انصار مقاوم داده شده، تعبیر به «رزق کریم» شده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که [آنان را] جا و پناه دادند و یاری کردند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند. برای آنان آمرزش و روزی نیکو و فراوان است» (انفال: ۷۴)؛ بنابراین توحیدباوری موجب می‌شود انسان موحد به وعده‌های که خداوند به استقامت‌کنندگان داده باورمند باشد و برای رسیدن به آنها استقامت کند و بر استقامت خودش بیفزاید.

۴-۳. فلاح و رستگاری

فلاح و فوز دو وعده دیگر الهی به اهل مقاومت است. قرآن کریم از مؤمنان

می خواهد که در مواجهه با کافران مقاوم و ثابت قدم باشند و خدا را با قلب و زبان خود بسیار یاد کنند. باشد که رستگار شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵). در آیه دیگر از اهل مقاومت با تعبیر «فائزون» یاد کرده است: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰). در آیات ۸۸ و ۱۱۱ توبه، نیز به وعده فلاح و فوز تصریح شده است.

۴-۴. امدادهای غیبی الهی

بر خورداری اهل مقاومت در مصائب و سختی‌ها از کمک‌های ویژه الهی می‌تواند در ایجاد انگیزه برای آنان مؤثر باشد. از مهم‌ترین موارد امداد غیبی کمک‌هایی است که در غزوات صدر اسلام نصیب مسلمانان می‌شد. بدیهی است انسان مؤمن و توحیدباوری که بر اساس وعده الهی و تحقق بیرونی به امدادهای ویژه خداوند هنگام سختی‌ها ایمان دارد، انگیزه او برای مقاومت افزایش می‌یابد. مصادیق این امدادها بدین شرح است:

۴-۴-۱. یاری با فرشتگان

آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵ آل عمران به یاری سپاهیان اسلام به وسیله فرشتگان در غزوه بدر تصریح کرده است. در آیه ۹ انفال هم استغاثه مؤمنان به خداوند و اجابت آن را از سوی خدا به صورت امداد فرشتگان در جنگ بدر یاد آور شده است: «إِذ تَسْتَعْثِنُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنَّى مَوَدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ؛ آن‌گاه که از پروردگارتان فریادرسی [و یاری] می‌خواستید، پس شما را پاسخ داد که من شما را به هزاری از فرشتگان که از پی یکدیگر در آیند یاری کننده‌ام».

۴-۴-۲. بهره‌مندی از لشکر نامرئی

قرآن کریم به بهره‌مندی پیامبر اکرم و مؤمنان از لشکر نامرئی اشاره کرده است. از

این آیات فهمیده می‌شود که خداوند متعال در شرایط سخت مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن با فرستادن لشکر نامرئی و به تعبیر قرآن «بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا» آنان را کمک کرده است؛ از جمله در شرایطی که رسول خدا هنگام هجرت به مدینه در وضع مخاطره‌آمیزی در غار ثور قرار داشت و دشمن در یک قدمی آن حضرت بود، امداد الهی به کمک آن حضرت آمد: «وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا؛ و او را به سپاهی که شما نمی‌دیدید نیرومند گردانید» (توبه: ۴۰). در تفسیر این جنود، برخی گفته‌اند: آنان فرشتگان مأمور آن حضرت در سفر هجرت بوده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۸۹). برخی گفته‌اند: فرشتگان مأمور به دعا برای آن حضرت بوده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۴۹). در روایتی لشکر نامرئی را به روییدن درختی در دهانه غار، تنیدن تارها به وسیله عنکبوت و تخم‌گذاری کبوتران وحشی در جلو غار دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۲۹۲). همچنین در غزوه احزاب که همه دشمنان اسلام اعم از مشرکان، یهود و دیگران چندین هفته مدینه را محاصره کرده بودند و مسلمانان بی‌دفاع مجبور به کندن خندق و مقاومت بودند، امداد غیبی الهی و لشکر نامرئی به کمک آنان آمد: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا؛ پس بادی و لشکرهایی که نمی‌دیدید بر آنها فرستادیم» (احزاب: ۹). در غزوه حنین نیز که مسلمانان دچار غافلگیری شدند و دشمن به پیروزی اولیه دست یافت، باز سپاه نامرئی به کمک رسول خدا و مسلمانان آمد: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا؛ آن‌گاه خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و سپاه‌هایی که آنها را نمی‌دیدید فرو فرستاد» (توبه: ۲۶).

۳-۴-۴. ایجاد ترس در دل دشمن

قرآن کریم در چند جا از ایجاد ترس در دل دشمنان خبر می‌دهد. همه این موارد در جایی است که رسول خدا و مؤمنان در شرایط سخت و دشوار جنگی قرار گرفته‌اند. رعب را به ترس شدید منجر به ناامیدی معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۶) و برخی آن را به معنای سلب آرامش گرفته‌اند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۳۸). در جنگ بدر خداوند رعب را بر قلوب مشرکان افکند به گونه‌ای که سپاه نیرومند دشمن روحیه خود

را از دست دادند: «سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ؛ به زودی در دل‌های آنان که کفر ورزیده‌اند ترس می‌افکنم» (انفال: ۱۲). در ماجرای جنگ با یهود بنی‌نضیر نیز خداوند وحشت را به گونه‌ای در دل آنان افکند که آنان پا به فرار گذاشتند و خانه‌های خود را ویران کردند: «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمُ وَالْمُؤْمِنِينَ؛ و در دل‌هایشان رعب افکند [به گونه‌ای که] خانه‌های خود را به دست خویش و به دست مؤمنان خراب می‌کردند» (حشر: ۲).

۴-۴-۴. کم‌جلوه‌دادن سپاه دشمن

از دیگر امدادهای ویژه الهی به مجاهدان و اهل مقاومت احساس کم‌شمار بودن لشکر دشمن است. در جنگ بدر که نخستین رویارویی مسلمانان با مشرکان بود و مسلمانان از سازوبرگ نظامی چندان بر خوردار نبودند و شمارشان از ۳۱۳ نفر تجاوز نمی‌کرد، این امداد ویژه الهی به کمک آنان آمد. به نظر می‌آید کم‌نشان‌دادن دشمن در مرحله اول در رؤیای رسول خدا بود (انفال: ۴۳) و در مرحله بعد دشمن را در بیداری و در صحنه نبرد به همه سپاه اسلام کم‌نشان داد؛ زیرا در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِذْ يَرْيَكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيَمِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا؛ و [یاد کن] هنگامی که با آنان برخورد کردید [در ابتدا] آنان را در دیدگانتان اندک نشان می‌داد» (انفال: ۴۴).

۴-۴-۵. خنثی‌کردن نقشه‌های دشمن

امدادهای غیبی الهی در مورد رسول خدا و مؤمنان خنثی‌شدن توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن است؛ از جمله درباره دشمنان رسول خدا آمده است آنان با تبلیغات منفی، تهمت، محاصره اقتصادی و شکنجه و آزار مسلمانان علیه اسلام نقشه می‌کشند و خدا نیز در برابر حیل‌های آنان چاره‌جویی می‌کند و دشمنان را غافلگیر و نقشه‌های آنان را بی‌ثمر کرده و توطئه‌های آنان را در هم می‌شکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲۶، ص ۳۷۵). در ماجرای غزوه بدر و ایستادگی مسلمانان نیز خداوند از سست و بی‌اثر کردن نیرنگ کافران خبر می‌دهد: «وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكٰفِرِينَ؛ و اینکه خداوند همواره سست‌کننده

بگردان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷۹). آیه بعد یعنی آیه ۲۵۱ همین سوره از پیروزی سپاه طالوت و شکست سپاه جالوت و کشته شدن جالوت به دست داوود خبر می‌دهد: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ».

نتیجه‌گیری

از مطالبی که مطرح شد چنین نتیجه می‌گیریم:

۱. انسان مختار، توحیدباور و کمال‌طلب و بارورمند و متوجه به اینکه همه موجودات غیر از خدا، از خود هیچ استقلالی ندارند، ممکن نیست غیر وجه خداوند را هدف غایی مقاومت خویش قرار دهد. چنین انسانی براساس توحید افعالی هیچ مؤثری را در عالم به جز خدا نمی‌شناسد؛ کمال، بقا و قدرت حقیقی را نزد خدا جستجو می‌کند و به جز خدا چیزی را طلب نمی‌کند و مقصدی جز الله و رضوان الهی ندارد و موطن حقیقی و رستگاری خویش را در جوار حضرت حق می‌داند. چنین بینشی در مقاومت تأثیر گذار است.

۲. بسیاری از عوامل درونی، مانند امید، آرامش، صبر، ذکر قلبی، توکل، تسلیم و رضا که به انسان در راستای مقاومت اسلامی انگیزه می‌دهد و او را برای رسیدن به اهداف متعالی خود وادار به حرکت می‌کند، از توحیدباوری و درک درست از صفات الهی همچون علم، قدرت، حکمت، عزت و ربوبیت نشئت می‌گیرد.

۳. انگیزه عاملی درونی است که از عوامل بیرونی متأثر می‌شود. بنابر آیات قرآن کریم، عواملی بیرونی وجود دارند که در تقویت انگیزه تأثیر گذارند و از سوی خدا به مؤمنان مقاوم وعده داده شده‌اند، از قبیل: بشارت به بهشت و نعمت‌های اخروی، نعمت‌های دنیوی و امدادهای غیبی الهی، مانند یاری با فرشتگان، بهره‌مندی از لشکر نامرئی، ایجاد ترس در دل دشمن و کم‌جلوه دادن سپاه دشمن.

۴. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت توحیدباوری رکن اساسی و یگانه مقاومت اسلامی است و پدیده مقاومت اسلامی از جهات فراوانی با توحید باوری پیوندی ناگسستنی دارد.

فهرست منابع

* قرآن.

* نهج البلاغه. (۱۴۱۵ق). (تصحیح: صبحی صالح). تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه. انتشارات اسوه.

۱. ابن سعد، محمد. (۱۴۱۸ق). الطبقات الكبرى. (به كوشش: محمد عبدالقادر عطا). (چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. (به كوشش: عبدالسلام محمد هارون). قم: مكتب الاعلام الاسلامی.

۳. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. (تحقیق: علی عبدالباری عطیه). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. (به كوشش: زکار و زرکلی). بیروت: دارالفکر.

۵. جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۵ق). التعریفات. (به كوشش: ابراهیم الایاری). بیروت: دارالکتاب العربی.

۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۸). توحید در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.

۷. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.

۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. (چاپ دوم). بیروت: دارالفکر.

۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰. طباطبایی، سید مصطفی. (۱۳۸۵). فرهنگ نوین. (چاپ پنجم). هران: اسلامیه.

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

۱۲. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۷ق). تاریخ الامم والملوک. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۳. طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین. (به كوشش: محمود عادل و احمد حسینی). (چاپ دوم). تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴. طوسی، محمد. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. (به کوشش: احمد حبیب العاملی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. طوسی، نصیرالدین. (۱۳۷۳). اخلاق ناصری. تهران: خوارزمی.
۱۶. عمید، حسن. (۱۳۶۲). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۱۷. فرانکل، ویکتور. (۱۳۹۱). انسان در جستجوی معنای غایی. (ترجمه: شهاب الدین عباسی). تهران: پارسه.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
۱۹. فیض کاشانی، محسن. (بی تا). المحجة البيضاء فی تهذیب الحیاء. (به کوشش: علی اکبر غفاری). (چاپ دوم). قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). الکافی. (به کوشش: علی اکبر غفاری). (چاپ سوم). بیروت: دارالتعارف.
۲۱. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۱۲ق). النکت و العیون. تفسیر الماوردی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰). معارف قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴.
۲۵. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
۲۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۷۴). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). تفسیر نمونه. (چاپ دوازدهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه اهل بیت .:
۲۹. نراقی، محمد مهدی. (۱۴۰۸ق). جامع السعادات. (به کوشش: سید محمد کلانتر). بیروت: اعلمی.
۳۰. واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). المغازی. به کوشش: مارلون جونس. (چاپ سوم). بیروت: عالم الکتب.

References

- * *The Quran*.
- * *Nahj al-Balaghah* (1415 AH). correction: Sobhi Saleh. Tehran: Endowment and Charity Organization, Iran, Osveh Publications. [In Arabic]
1. Alusi, S. M. (1428 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*, by: Ali Abdolbari Atieh). Beirut: Dar al.Kitab al.Alamiya. [In Arabic]
 2. Amid, H. (1362 SH). *Farhang Amid*, Tehran: Amirkabir.
 3. Belazeri, Ahmad Ibn Yahya (1417 AH). *Ansab al-Ashraf, by: Zakar and Zarkali*, Beirut: Dar al.Fikr. [In Arabic]
 4. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1410 AH). *Kitab al.Ain*, Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
 5. Feyz Kashani, M. (n.d.). *ALMuhajja AL-Bayda Fi Tahdhib AL-Hayya*, by: Ali Akbar Ghaffari, second print, Qom: Islamic Publishing Office. [In Persian]
 6. Frankel, V. (1391 SH). *Man in Search of the Final Meaning*, translated by Shahabuddin Abbasi, Tehran: Parseh. [In Persian]
 7. Gonabadi, S. M. (1408 AH). *Tafsir Bayan al-Saadah fi Maqamat al-Ibadah*, second print, Beirut: Muasibat ALA'lami le al.Matbu'at. [In Arabic]
 8. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mojam Maqaees al-Loqat*, by: Abdul Salam Muhammad Harun, Qom: Maktab al.Alam al-Islami. [In Arabic]
 9. Ibn Sa'ad, M. (1418 AH). *Al.Tabaqat al.Kubra*, by the effort of: Muhammad Abdul Qadir Atta, second print, Beirut: Dar al.Kotob al.Ilmiah. [In Arabic]
 10. Javadi Amoli, A. (1368 SH). *Monotheism in the Quran*, Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
 11. Jorjani, Ali Ibn Muhammad. (1405 AH). *al.Tarifat, by: Ibrahim ALAbyari*, Beirut: Dar AL.Kitab AL.Arabi. [In Arabic]
 12. Kelini, Muhammad ibn Ya'qub. (1401 AH). *AL.Kafi*, by the efforts of: Ali Akbar Ghaffari, third print, Beirut: Dar al.Ta'arof. [In Arabic]
 13. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar ALAnwar*, Beirut: AL.Wafa Institute. [In Arabic]
 14. Makarem Shirazi, N. (1375 SH), *Tafsir Nomoneh*, 12th print, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]

15. Mawardi, Ali Ibn Muhammad. (1412 AH). *AL-Nakt wa AL-Ayoun, Tafsir AL-Mawardi*, Beirut: Dar AL-Kotob AL-Ilmiyah. [In Arabic]
16. Mesbah Yazdi, Mo. T. (1380 SH). *Quran Education*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute 4. [In Persian]
17. Mostafavi, H. (1374 SH). *al.Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
18. Mostafavi, H. (1380 SH). *Tafsir Roshan*, Tehran: Book Publishing Center. [In Persian]
19. Mousavi Sabzevari, S. A. A. (1409 AH). *Mavahib al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*, second print, Beirut: Ahl al.Bayt Institute. [In Arabic]
20. Naraghi, M. M. (1408 AH). *Jame AL-Saadat*, by: Seyed Mohammad Kalantar, Beirut: A'alami. [In Arabic]
21. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *AL-Mufradat Fi Gharib AL-Quran*, Beirut: Dar AL-Ilm.
22. Tabari, Muhammad ibn Jarir (1417 AH). *Tarikh al-Omam va al-Moluk*, Beirut: Dar al.Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
23. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. (1406 AH). *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Nasser Khosrow. [In Arabic]
24. Tabatabaei, S. M. (1385 SH). *Farhang Novin*, fifth print, Tehran: Islamieh. [In Persian]
25. Tabatabaei, S. M. H. (1393 AH). *AL-Mizan Fi Tafsir AL-Quran*, third print, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
26. Tarihi, F. (1408 AH). *Majma' Bahrain*, by: Mahmoud Adel and Ahmad Hosseini, second print, Tehran: Islamic Culture Publications. [In Arabic]
27. Tusi, M. (n.d.). *AL-Tibyan Fi Tafsir AL-Quran*, by the effort of: Ahmad Habib AL-Ameli, Beirut: Dar AL-Ihya AL-Torath AL-Arabi. [In Arabic]
28. Tusi, Nasir al.Din. (1373 SH). *Naseri ethics*, Tehran: Kharazmi. [In Persian]
29. Waqidi, Muhammad ibn Umar. (1404 AH). *AL-Maghazi*, by: Marlon Jones, third print, Beirut: Alam al.Kotob. [In Arabic]
30. Zohaili, Wahab Ibn Mustafa (1418 AH). *AL-Tafsir AL-Munir fi AL-Aqida va Sharia va AL-Manhaj*, second print, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]